afghanistan justice archive

DEC3.01.16.2025

موضوع 1 تاریخ / /

سلیمان فرزند محمد ابراهیم معلم به تاریخ ششم حمل ۱۴۰۳ و برابر با شانزده رمضان ۱۴۴۵
ساعت ابجد نصف شب از تپه وحدت و سوالی یکاولنگ به دست مدیر استخبارات شخصی
بنام احمدی و به وسیلهٔ شخصی که رئیس شورا و جاسوس آنان بود بدون حکم و دستور
کدام مرجع قانونی و بدون رعایت شرافت انسانی و تجاوز به حریم خصوصی و ایجاد
ترس و وحشت برای اهل خانه و همسایه‌های داخل حویلی به زور وارد شدند و
با زور و وحشیانه او را گرفتار کردند و اموال شخصی را سرقت کردند و در اول
مدیر استخبارات در شعبهٔ خود در مدیریت استخبارات گفته بود که اگر پنج هزار دلار
برایش بدهد او را رها می‌کند ولی اگر ندهد برای همیشه او را سرنگون و
نابود می‌کند و چون پول گرفته نتوانست بعد از لت و کوب با پایپ آب
مشت و لگد و تفنگ به مرکز بامیان در ریاست استخبارات بامیان
انتقال دادند و بعد از رسیدن از ساعت شش صبح تا هشت صبح به
قصد کشت لت و کوب کردند و ۲ یا ۳ نفره آنقدر زدند که نیمه جان به
شفاخانه ملا غلام انتقال دادند که اگر چند دقیقه دیرتر می‌رسید حتماً میمرد
بعد از مراقبت جدی داکتران زحمت کش از مرگ نجات یافت.

- آنان وقتی که نصف شب او را دستگیر کردند به فامیل و همسایه‌ها
وعده داده بودند که فردا حتماً صحت و سلامت او را به خانه برمی‌گردانند
و رهایش می‌کنند.

- بار دوم که والی آنان عبدالله سرحدی ساعت یازده شب به شفاخانه
رفته بود قول داده بود که پس از بهبودی او را رها می‌کنند ولی
بعد از شش روز مراقبت به بهانه رها کردن و برگرداندن به
خانواده‌اش مخفیانه به زندان انتقال دادند و باز هم والی بامیان
عبدالله سرحدی به وعده‌اش عمل نکرد و بعد از هشت ماه تحت

afghanistan justice archive

DEC3.01.16.2025

موضوع _____ تاریخ / /

توقیف بودند که در این مدت هم تماس ها و اعضای فامیل او شنود و تعقیب می شدند و پس از آن در محکمهٔ ناعادلانه و فراقانونی او را برچسب سیاسی زدند و به هفت سال و سی و پنج دره محکوم کردند و در محکمه بدون در نظر داشت خواست او و وکیل های مدافع حکم یک طرفه صادر کردند و چشم خودشان را به زور و ستم و اعمال غیر بشری خودشان بستند و حتی سرقت اموال شخصی او و شکستن یک دندان طبیعی و ۳ دندان مصنوعی او را در نظر نگرفته و همچنان نزدیک به ۹ ماه بدون سرنوشت در زندان نگه داشتند. که در این مدت اعضای فامیل بدون سرپرست هستند و پدر پیرش که نابینا است و با زندگی سخت و فقیرانه دست و پنجه می کنند و آنان بارها با مراجعه به همراه موسفیدان به والی بامیان سرحدی هم او را رها نکردند و چندین بار از طرف استخباراتی و سوال یکاونگ تهدید شوند که اگر بار دیگر مراجعه کنند همه آنها را زندانی می کنند و دوستان و اقارب و خویشاوندان او از ترس به او ملاقات نمی توانند.

به نام خدا

سلیمان معلم فرزند محمد ابراهیم به تاریخ ششم حمل ۱۴۰۳ و برابر با شانزده رمضان ۱۴۴۵ ساعت ۱ بجه نصف شب از تپه وحدت ولسوالی یکه اولنگ نمبر۱ به دست مدیر استخبارات شخصی به نام احمدی و به وسیله شخصی به نام شعیب بی ریا که رئیس شورا و جاسوس آنان است بدون حکم و دستور کدام مرجع قانونی و بدون رعایت شرافت انسانی و تجاوز به حریم خصوصی و ایجاد ترس و وحشت برای اهل خانه و همسایه های داخل حویلی به زور وارد شدند و با زور و وحشیانه او را گرفتار کردند و اموال شخصی وی را نیز سرقت کردند و در اول مدیر استخبارات در شعبه خود در مدیریت استخبارات گفته بود که اگر ۵۰۰۰ دلار برایش بدهد او را رها میکند ولی اگر ندهد برای همیشه او را سرنگون میکنند و چون پول گرفته نتوانستند بعد از لت و کوپ با پایپ آب و مشت و لگد و تفنگ به مرکز بامیان در ریاست استخبارات بامیان انتقال دادند و بعد از رسیدن از ساعت ۶ صبح تا ۸ صبح به قصد کشت لت و کوپ کردند و دو سه نفره آنقدر زدند که آخر به دستور والی بامیان عبدالله سرحدی، نیمه جان به شفاخانه ملا غلام انتقال دادند که اگر چند دقیقه دیرتر می رسید حتمن میمرد. بعد از مراقبت جدی داکتران زحمت کش از مرگ نجات یافت. آنان وقتی که او را دستگیر کرده بودند به فامیل و همسایه ها وعده داده بودند که فردا حتمن با صحت و سلامت او را به خانه بر میگردانند و رهایش می کنند. بار دوم که والی آنان عبدالله سرحدی ساعت ۱۱ شب به شفاخانه رفته بود و قول داده بود که پس از بهبودی او را رها می کنند ولی بعد از ۶ روز به بهانه رها کردن و برگرداندن به خانواده اش مخفیانه به زندان دادند و باز هم والی بامیان عبدالله سرحدی به وعده اش عمل نکرد و ۸ ماه تحت توقیف بود و فعلا همچنان در زندان است و در این مدت همه تماس های او و اعضای فامیل او شنود و تعقیب می شدند و فعلا هم تحت تعقیب هستند و تماس هایشان ضبط می شوند. و حالا در محکمه به صورت ناعادلانه و فرا قانونی او را بر چسپ سیاسی زدند و به ۷ سال و ۳۵ دره محکوم کردند و در محکمه بدون در نظرداشت خواست او و وکیل های مدافع حکم یک طرفه صادر کردند و چشم خودشان را به زور و ستم و اعمال ضد بشری خودشان بستند و حتی سرقت اموال شخصی او و شکستن یک دندان طبیعی و ۳ دندان مصنوعی او را در نظر نگرفته و همچنان نزدیک به دو ماه بدون سرنوشت در زندان نگهداشتند. که در این مدت اعضای خانواده وی بدون سرپرست هستند و پدر پیرش که نابینا است و با زندگی سخت و فقیرانه دست و پنجه می زنند و آنان بار ها با مراجعه به همراه موسفیدان به والی بامیان سرحدی هم او را رها نکردند و چندین بار از طرف استخبارات و ولسوالی یکه اولنگ نمبر۱ تهدید شدند که اگر بار دیگه مراجعه کنند همه آنها را زندانی می کنند و دوستان و خویشاوندان او از ترس به او ملاقات نمی توانند.

من منحیث یک شاگردش عاجزانه از شما رسانه ها خواهش می کنم که این پیامم را به گوش همه برسانید شاید با رساندن این پیام به گوش همه کمک ناچیز برایش کرده باشم چون استادم به من خیلی زحمت کشیده و نمی توانم زحماتش را جبران کنم. من از خداوند متعال آرزوی آزادی و برگشتن اش را به آغوش خانواده و جامعه اش دارم و از تمام هموطنان عزیزم می خواهم دیگر این قسم ظلم را در حق هموطنان خود نکنند. من واقعا ازین حادثه ای خجالت آور که توسط برادر هزاره مان شعیب بی ریا که یک وقتی دشمن قسم خورده ای طالبان بود صورت گرفت می شرمم. افسوس به حالش